

## ارزیابی شاخص توسعه انسانی در مناطق روستائی ایران

حسین عباسی نژاد<sup>۱</sup> - علینقی رفیعی امام<sup>۲</sup>

چکیده:

طبق تعریف UNDP توسعه انسانی یعنی "گسترش فرآیند انتخاب افراد". برای کمی کردن آن از شاخصی به همین عنوان استفاده میشود. که خود متشکل از سه زیر شاخص: امید به زندگی، آموزش و درآمد است. در این تحقیق به بررسی و برآورد شاخص ذکر شده در مناطق روستائی ایران اقدام شده است. بر اساس محاسبات انجام شده، میانگین شاخص توسعه انسانی برای مناطق روستائی ایران در سال ۱۳۶۵ برابر ۰/۳۵۷ بوده است که در طول یک دهه با رشد متوسط سالانه ۰/۰۲۸ درصد به ۰/۴۶۹ در سال ۱۳۷۵ رسیده است. با توجه به ارزش شاخص توسعه انسانی در هر دو مقطع ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ چنین استنباط میشود: تمام مناطق روستائی کشور دارای توسعه انسانی پایین می باشند. که خود میتواند منشاء بسیاری از نابسامانی های اجتماعی باشد. یکی از این موارد مقوله مهاجرت از روستا به شهر است. ابعاد منفی مهاجرت کاملاً مشهود است. و عواملی که می تواند به دنبال خود به همراه داشته باشد.. در نتیجه نیاز به توجه بیشتر به مناطق روستائی بیش از پیش حائز اهمیت است و نیاز به مطالعه در این بخش ضرورت می یابد.

<sup>۱</sup> دانشیار دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد توسعه اقتصادی و برنامه ریزی دانشکده اقتصاد - دانشگاه تهران

## مقدمه:

نخستین گزارش توسعه انسانی در سال ۱۹۹۰ توسط برنامه ریزی توسعه سازمان ملل (UNDP) انتشار یافت، و باعث شد که این گزارش در مرکز توجه دولتها، برنامه ریزان و سیاستمداران قرار گیرد. اصولاً طرح آن برای نمایان کردن قوتها و ضعف های کشورهای در حال توسعه برای دولتمردان، برنامه ریزان و سایر محققان و متخصصان همان کشورها بوده است، تا آنها با استفاده از شاخصهای موجود برنامه ریزی دقیقتری انجام دهند.

شاخص توسعه انسانی (HDI)، مردم و دولتهای متبوع آنها را قادر می سازد پیشرفتهای آنها را در طول زمان ارزشیابی نموده و برای دخالت سیاسی اولویت تعیین کنند.

## توسعه انسانی:

توسعه انسانی یعنی؛ گسترش فرآیند انتخاب افراد؛

مفهوم توسعه انسانی خود گویای آن است که هدف اصلی توسعه بهره مند ساختن راستین انسان است. یعنی بهبود بخشیدن به کیفیت زندگی افراد انسانی. توسعه انسانی، انسان را در مرکز الگوهای توسعه قرار می دهد نه در حاشیه آن، همچنین موضوع های عمیقی را درباره ویژگی های رشد اقتصادی و چگونگی توزیع آن به میان می آورد. افزایش درآمد و گسترش اشتغال ضروری اند، اما این دو وسیله توسعه اند، نه هدف آن. برخورداری انسان از زندگی دراز و سالم و خلاق در محیط زیستی غنی و در جامعه مدنی دموکراتیک هدف نهائی توسعه است. مرتبط ساختن شرائط اقتصادی و زندگی انسانی کانون توجه توسعه انسانی است. توسعه انسانی دو وجه دارد: از یک سو به شکل گیری قابلیت انسان (از راه سرمایه گذاری در نیروی انسانی) تاکید می ورزد، و از سوی دیگر، به همان اندازه نیز شیوه بکارگیری این قابلیت های رشد یافته را (از راه ایجاد چهار چوبی برای مشارکت در رشد درآمد و اشتغال) مورد توجه قرار می دهد.

بعضی ها معتقدند که تضاد میان مفاهیم رشد اقتصادی و توسعه انسانی وجود دارد. که چندان هم خالی از حقیقت نیست. رشد اقتصادی شرط لازم توسعه انسانی است و نه شرط کافی. رشد اقتصادی به عنوان یک وسیله و توسعه انسانی به عنوان یک هدف است. کیفیت این رشد اقتصادی نیز به اندازه کمیت آن دارای اهمیت است. مفهوم توسعه انسانی به هر دو جنبه رشد نظر دارد، و در عین حال تاکید بیشتری به جنبه کیفی آن دارد. درون مایه اصلی این مفهوم نوین آن است که توسعه باید چیزی بسیار بیش از افزایش درآمد و ثروت باشد. کانون توجه توسعه باید انسان باشد و هدفهای عمده ای چون کاهش بنیادی فقر و امکان برخورداری عادلانه فرصتهای اقتصادی را دنبال کند. توسعه انسانی هدف نهائی توسعه اقتصادی است و بهترین وسیله ممکن برای پیشبرد توسعه.. توسعه انسانی بعد مهم دیگری نیز دارد: توسعه باید پایدار باشد. یعنی باید حق انتخاب و ضرورت های فصل های آینده را محترم بشمرد و حفظ کند. برای دست یافتن به الگوهای توسعه پایدار. ضروری است که تمام شکلهای سرمایه، اعم از

مادی، طبیعی و انسانی باز آفرینی و حفظ شوند. به پایان رسیدن هر بخشی از این سرمایه که میراث همیشگی انسان است و غافل ماندن از تجدید آن، یعنی دزدیدن از فرزندان خودمان. به هر حال آنچه در تنظیم سیاستها، طرح ها و برنامه های توسعه باید مهم دانسته شود، این است که انسان در درجه اول اهمیت قرار دارد و هدف گذاری ها باید در جهت پرورش قابلیت های انسان باشند. هر چه هدف های چنین برنامه و سیاستهای آن، روشن تر و تفکیک شده تر باشند، به نتیجه بهتری می توان دست یافت.

### شاخص توسعه انسانی (Human Development Index) و اهمیت آن:

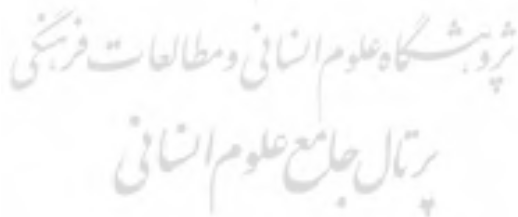
شاخص توسعه انسانی (HDI) نتیجه کوششی است به منظور رها کردن دیدگاه تولید مدار (Production\_Oriented) که به تولید ناخالص داخلی یا تولید ناخالص ملی تاکید دارد. و جایگزین کردن دیدگاه دیگری که انسان مدار است (People\_Oriented).

مبنای انتخاب ابعاد اساسی و نشانگرهای متشکله شاخص توسعه انسانی را ظرفیت های اولیه مردم در جهت مشارکت و ایفای نقش در جامعه تشکیل می دهد. این ظرفیت ها و توانمندی ها عبارتند از: توان برخورداری از عمر طولانی و توأم با سلامت، توان معرفت اندوزی و کسب علم، و توان دسترسی به منابع و امکانات لازم برای برخورداری از یک سطح زندگی مناسب.

در نتیجه HDI به عنوان یک شاخص مرکب خود دارای سه زیر شاخص است:

- ۱- امید به زندگی: نشان دهنده عمر طولانی و سلامت.
- ۲- پیشرفت تحصیلی: نشان دهنده سطح علم و دانش.
- ۳- تولید ناخالص داخلی (بر حسب برابری قدرت خرید به دلار): بیانگر وجود سطح زندگی شایسته و مناسب.

هر کدام از سه مؤلفه سازنده شاخص توسعه انسانی بر اساس عبارت تعریفی زیر ابتدا شاخص بندی می شوند:



$$X_i = \frac{x_i - \min x_i}{MAXx_i - \min x_i}$$

روش محاسبه این فرمول در هر منطقه، کشور و یا استان یکسان است. ولی لازم است مقادیر حداقل و حداکثر معین شوند. با تعیین مقادیر حداکثر و حداقل که استاندارد آن توسط UNDP ارائه شده است اقدام به محاسبه شاخص توسعه انسانی به صورت زیر می کنیم:

<sup>3</sup> مقادیر زیر برای حداکثر و حداقل هر یک از نماگرها توسط UNDP تعیین شده است: ۱- امید به زندگی حداقل ۲۵ سال و حداکثر ۸۵ سال. ۲- میزان باسوادی حداقل صفر درصد و حداکثر صد درصد. ۳- نرخ ترکیبی ثبت نام ناخالص در کلیه مقاطع تحصیلی حداقل صفر درصد و حداکثر صد درصد. ۴- محصول ناخالص داخلی سرانه واقعی حداقل صد دلار و حداکثر ۴۰۰۰ دلار. (HDR 1991)

با توجه به موارد بالا شاخص توسعه انسانی بصورت زیر محاسبه می شود:

$$\text{HDI} = 1/3 [\text{شاخص امید به زندگی} + \text{شاخص باسوادی} + \text{شاخص درآمدی}]$$

شاخص توسعه انسانی نشان می دهد که هر کشور یا منطقه تا رسیدن به مرحله تامین گزینه های ضروری برای کلیه آحاد ملت چه مسافتی را باید طی کند. شاخصی است که میزان توانمند سازی را اندازه گیری میکند. و نشان می دهد که اگر مردم سه گزینه اساسی مزبور را در اختیار داشته باشند، خواهند توانست سایر فرصت ها را نیز بدست آورند.

رتبه بندی مناطق بر اساس شاخص توسعه انسانی به طور محسوس از رتبه بندی بر اساس درآمد سرانه متفاوت است. در نتیجه HDI علی رغم برخورداری از نقایص اجتماعی، می تواند جایگزین مناسبی برای نشان دادن تولید ناخالص ملی سرانه باشد. به طوری که روز به روز کاربرد آن برای نظارت و میزان پیشرفت ملل بیشتر می شود. اهمیتی که شاخص توسعه انسانی در رشد و توسعه به طور کلی دارد، با بررسی زیر شاخص های آن کاملاً مشهود است. مانن تاثیر آموزش بر رشد اقتصادی، تاثیر آموزش بر امید به زندگی، ارتباط بین بهداشت و بهره وری. به نمونه ای از آنها در ادامه اشاره می شود:

**- تاثیر آموزش و پرورش بر رشد:** آموزش و پرورش یکی از عواملی است که از جهات زیادی بر رشد اقتصادی اثر می گذارد نخستین راه تاثیر آموزش بر توسعه، پرورش تخصص ها و مهارت های خاص است که در فرآیند تولید به آن نیاز می باشد<sup>۴</sup> اقتصاددانانی که درباره توسعه کشورهای جهان سوم مطالعه میکنند، همگی بر این باورند که آموزش و پرورش محور اصلی رشد اقتصادی به شمار می آید.<sup>۵</sup> تجارب کشورهای پیشرفته نیز گواهی می دهد و مطالعات آماری نیز اثبات نموده<sup>۶</sup> کد «سرمایه گذاری در سرمایه انسانی» دارای بازده فوق العاده زیادی است و تسریع آهنگ رشد اقتصادی بدون توجه به آموزش و پرورش و تغییرات و تحولات کیفی آن امری غیر ممکن می نماید.<sup>۷</sup>

از آنجا که آموزش و پرورش استعدادها را شکوفا می کند، توانائی های فرد را افزون می سازد و قابلیت و تعهد وی را در تولید اجتماعی ارتقاء می دهد بنابراین آموزش و پرورش جزء آندسته از خدماتی است که باید هر چه بیشتر و بیشتر به جامعه ارائه شود. (که در ادامه نقش مثبت آموزش و پرورش را از جنبه های شخصی و اجتماعی برمی شماریم).

**- تاثیر آموزش بر امید به زندگی:** در جوامعی که مردم از نعمت سواد بی بهره اند زنان اکثریت بی سوادی را تشکیل می دهند. و زمان ارزش اندکی دارد. فرصت های اشتغال و کسب درآمد برای زنان در بازار کار نادر است. در چنین جوامع ای، به علت بی سوادی، نرخ مرگ و میر کودکان بالا و امید به

<sup>۴</sup> موسی لطفی «نقش آموزش نیروی انسانی در رشد اقتصادی» ص ۱۵

<sup>۵</sup> عمارزاده ص ۱۹۱

3- SCHULTZ, Theodorw. "investment in Human capital" the American Economic Review, march 1961, pp:17-1.

4- DENTSON, Edward, F: "The sources of Economic Growth in the united states and the Alternatives Before us" Committee for Economic Development, supplementary, No 13 new york 1962.

زندگی در بدو تولد پائین می باشد.<sup>۸</sup> ضعف و ناتوانی جسمانی در بزرگسالان به علت سوء تغذیه در دوران کودکی و ایام کار از قابلیت تولیدی آنان کاسته است. وسایل مدرن جلوگیری از بارداری و حتی اطلاعات لازم در مورد آنان اندک می باشد. از آنجا که فرزند بیشتر و به خصوص اولاد ذکور، قدرت تولید نیروی کار در خانواده را افزون می سازد، و عصای پدر و بیمه والدین در سنین کهولت می باشند. تعداد آن به مثابه نوعی سرمایه گذاری در جهت کسب درآمد بیشتر در آینده تلقی میگردد. چنین طرز تفکری منجر به افزایش کمیت فرزندان و طبعاً افول کیفیت آنان می شود. بدین ترتیب در این جوامع، خانواده محل رشد و تربیت کودکانی است که وقت و فرصت اندک و کم ارزش صرف آنان گشته و نهایتاً در جامعه تعداد افرادی رو به افزایش خواهد بود که از کیفیت برخوردار نمی باشند.

ارتباط تنگاتنگی بین نرخ باروری جمعیت و میزان تحصیلات مادران وجود دارد. در حقیقت داشتن فرزند، بدین علت که آنان در سالهای اولیه رشد، پرهزینه، زمان بر و کاربرند، مستلزم قبول هزینه فرصت های از دست رفته ای برای مادران می باشد و هر اندازه تحصیلات مادران بیشتر باشد این هزینه ها چشمگیرتر خواهد بود. هر قدر مادران توجه بیشتری بر کیفیت تربیت فرزندان داشته باشند اوقات بیشتری را بایستی صرف آنان نمایند. و این خود نیازمند فرصت های بیشتر و بیشتری است که موجب افزایش هزینه ها می گردد. بدین ترتیب فراهم نمودن کیفیت وقت گیر و پرهزینه می باشد. این باور که تربیت اساسی کودکان قبل از پنج سالگی، ارتباط تنگاتنگی با محیط خانواده و تحصیلات والدین و به خصوص مادران دارد، حقیقتی است که مورد تأیید تمامی صاحب نظران علوم تربیتی می باشد. از آنجا که برای مادران تحصیل کرده، تقاضای بیشتری در بازار کار وجود دارد، آنان تمایل کمتری به داشتن فرزندان متعدد نشان می دهند. و از آنجا که تربیت فرزندان برای چنین مادرانی، مستلزم فرصت هائی است که هزینه از دست رفته آن قابل توجه می باشد. و از آنجا که کیفیت تربیت فرزندان، خود نیازمند فرصت های بیشتری است. که آن نیز هزینه های فراوانی طلب می نماید، ارزش اوقات زنان تحصیل کرده موجب می شود تا آنان تمایل به فرزند کمتر و کیفیت بالاتری داشته باشند.

- **بهداشت و بهره وری**: وضع بهداشت فرد یا گروه با سطح درآمد مرتبط است بهره وری حلقه واصل میان آن دو است<sup>۹</sup> با وجود این، ماهیت این رابطه و اثرات آن بر توزیع عمومی درآمد و رفاه مسایل معینی را ایجاد می نماید.

می توان پذیرفت که در کوتاه مدت و با تکنولوژی معین و روشهای تولید ثابت بهبود بهداشت خاصه در مورد کار انسان - به افزایش در بهره وری کار (چنانچه به وسیله محصول هر فرد طی یک روز اندازه گیری شود) منتهی می گردد.

در بلند مدت بهبود بهداشت تا آنجا که به نوآوری کمک می کند قادر است به ترقی بهره وری کمک بیشتری کند که آن نه تنها به قدرت بدنی افراد بلکه به استعدادشان برای پیش بینی آینده و برای خطرپذیری نیز بستگی دارد درست همانطور که بهداشت بهتر، این نوع رفتار را ایجاد می کند همانطور

<sup>۸</sup> عمادزاده ۲۳۹

6- Mach: "selected issue on health and employment ment." (1979)P:142.

هم، کودکان را قادر می سازد آن را به طور مؤثری به کار ببرند. بهداشت غیبت از کار و ناپایداری نیروی کار را کاهش داده و کمکی در به کاگیری بهتر حجم توانائیهای موجود در اقتصاد است.<sup>۱۰</sup>

### شاخص توسعه انسانی در جهان:

کشورها را از نظر شاخص توسعه انسانی می توان به شرح زیر تقسیم نمود:

الف - کشورها با توسعه انسانی بالا: کشور هائی که شاخص توسعه انسانی بالا تر از ۰.۸ باشد. به کشور هائی با توسعه انسانی بالا اطلاق می شوند. بر اساس ارزش شاخص توسعه انسانی سال ۱۹۹۷ کشور کانادا بالاترین مقدار شاخص توسعه انسانی یعنی ۰.۹۳۲ را دارد. کشور نروژ ۰.۹۲۷، ایالات متحده ۰.۹۲۴، ژاپن ۰.۹۲۳ و بلژیک ۰.۹۲۳ و ...

ب - کشورها با توسعه انسانی میانه: کشورهائی که در آن HDI بین ۰.۵ تا ۰.۸ باشد را کشورهائی با توسعه انسانی میانه طبقه بندی می کنند. از جمله این کشورها، لبنان ۰.۷۴۹، ترکیه ۰.۷۲۸، روسیه ۰.۷۴۷، بلغارستان ۰.۷۵۸، ایران ۰.۷۱۵ و غیره ...

ج - کشورهائی با توسعه انسانی پائین: کشورهائی که در آنها HDI بین صفر تا ۰.۵ باشد کشور هائی با توسعه انسانی پائین تلقی می شوند. از جمله این کشورها عبارتند از: یمن ۰.۴۴۹، سودان ۰.۴۷۵، هائیتی ۰.۴۳۰، اتیوپی ۰.۲۹ و غیره

لازم به توزیع است که حداقل HDI صفر و حداکثر آن یک می باشد. بنابراین هرچه HDI به یک نزدیکتر باشد، کشور توسعه یافته تر است. با توجه به گزارش سال ۱۹۹۷ UNDP، اکثر کشورهای پیشرفته امروزی نظیر کشور های اروپائی و آمریکای شمالی و جنوب شرق آسیا در جرگه کشورهای با HDI بالا قرار دارند. و کشورهای فقیر نظیر کشورهای آفریقائی و آسیائی در جرگه کشورهای با HDI پائین قرار دارند. این موارد و یافته ها با استفاده از HDI با واقعیت های حاکم بر این کشورها انطباق دارد. زیرا سطح زندگی از دیدگاه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در کشورهای توسعه یافته با HDI بالا، بالاتر از کشورهای است که در آن HDI پائین است. مقایسه سطح زندگی مردم کشور های آفریقائی با کشورهای اروپائی این تفاوت ها را کاملاً نشان میدهد.

با توجه به یافته های موجود در این تحقیق و ارزش شاخص توسعه انسانی برای مناطق روستائی ایران در سالهای ۱۹۸۶ (۱۳۶۵) و ۱۹۹۶ (۱۳۷۵) این کشور را در جرگه کشورهای با توسعه انسانی پائین در مناطق روستائی قرار می دهد. در ادامه به تفصیل بیان خواهیم کرد.

### شاخص توسعه انسانی<sup>۱۱</sup> (HDI) در مناطق روستائی ایران در دو مقطع زمانی ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵:

۷- احمد اخوی - «توزیع درآمد و توسعه اقتصادی» ص ۱۰۵

<sup>۱۱</sup> در گزارش های سالانه UNDP تحت عنوان HDR که هر ساله منتشر میشود علاوه بر شاخص HDI سه شاخص دیگر HPI, GDI, GEM محاسبه میشوند. در این تحقیق با توجه به آمارهای موجود و قابل دسترس در ایران شاخص HDI برای مناطق روستائی مورد محاسبه و مورد بررسی قرار گرفت. لازم بذکر است، شاخص GDI شاخص توسعه انسانی تعدیل شده بر حسب جنسیت است که برای محاسبه آن همان متغیرهای شاخص توسعه انسانی مورد استفاده قرار می گیرند با این تفاوت که در شاخص GDI میزان موفقیت کشور، منطقه، استان در زمینه ارتقای امید به زندگی، دسترسی به آموزش و درآمد با توجه به اختلاف زنان و مردان در برخورداری از آنها تعدیل می شود.

با توجه به (جدول ۱-۱)، میانگین شاخص توسعه انسانی برای مناطق روستائی کشور در سال ۱۳۶۵ برابر ۰.۳۵۷ بوده، که در طول یک دهه با رشد متوسط سالانه ۲.۸ درصد به ۰.۴۶۹ در سال ۱۳۷۵ رسیده است. با توجه به ارزش شاخص توسعه انسانی در سال ۱۳۶۵ چنین استنباط میشود: تمام مناطق روستائی استانهای کشور دارای توسعه انسانی پائین می باشند. در سال ۱۳۷۵ با توجه به رشد شاخص توسعه انسانی فقط مناطق روستائی ۷ استان از ۲۴ استان که عبارتند از: تهران، گیلان، فارس، اصفهان، بوشهر، یزد و مازندران، دارای توسعه انسانی متوسط و بقیه مناطق روستائی هنوز دارای توسعه انسانی پائین هستند.

اختلاف بین مرکز و حاشیه از جنبه شاخص های توسعه در مناطق روستائی ایران بسیار زیاد است. از آنجائیکه مناطق روستائی در استانهای مرزی، نزدیک ترین مناطق مسکونی به کشورهای همسایه می باشند، عدم توجه به این مناطق توسط دولت مرکزی می تواند عاملی باشد که هم از لحاظ اقتصادی وابسته به کشورهای همسایه و هم از جنبه های فرهنگی و اجتماعی متاثر از فرهنگ بیگانه باشند. به طوری که سیر ورود کالاهای قاچاق در مناطق جنوب شرقی و مناطق غربی کشور و اثر آن بر اقتصاد این مناطق کاملاً مشهود است. اگر از جنبه های نظامی نیز بخواهیم به این مناطق بنگریم، به ارزش مناطق روستائی مرزی کشور و سرمایه گذاری در این مناطق بیشتر پی خواهیم بریم. سرمایه گذاری در این مناطق که به تشویق مردم به سکنا گزیدن و اهمیت دادن به محل زندگی شان می شود، می توان به عنوان عاملی انسانی در پاسبانی از مرزها استفاده کرد. همچنین توجه به استانهای محروم که از توسعه انسانی پائین برخوردارند و جزء مناطقی با مهاجر فرستی بالا محسوب می شوند، می توان با بهبود شاخص های توسعه در این مناطق از جمله افزایش درآمد سرانه و امکانات آموزشی، از مهاجرت افراد این مناطق جلوگیری کرد.

جدول (۱-۱) ارزش شاخص توسعه انسانی در مناطق روستائی ایران

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

---

شاخص HPT نیز شاخص فقر می باشد. این شاخص درصد اندازه گیری میزان فقر در کشورها و جوامع است و ترکیبی است که بر پایه میزان محرومیت افراد جامعه در سه رمینه اساسی زندگی انسانی یعنی طول عمر، دانش و آگاهی و سطح زندگی قابل قبول بنا گذاشته شده است. (این سه جنبه از ابعاد زندگی در برآورد شاخص توسعه انسانی به شکلی دیگر مورد توجه قرار می گیرد) اولین محرومیت به پایین بودن احتمال بقا در زندگی - یعنی آسیب پذیری فرد در مقابل مرگ در سنین نسبتاً پایین، دومین محرومیت یا عدم دسترسی به دانش و آگاهی یعنی جدا ماندن از دنیای خواندن و نوشتن و ارتباط با دیگران و سومین محرومیت به نداشتن یک سطح زندگی قابل قبول از نظر امکانات و توانمندی های اقتصادی است (HDR, 2001).

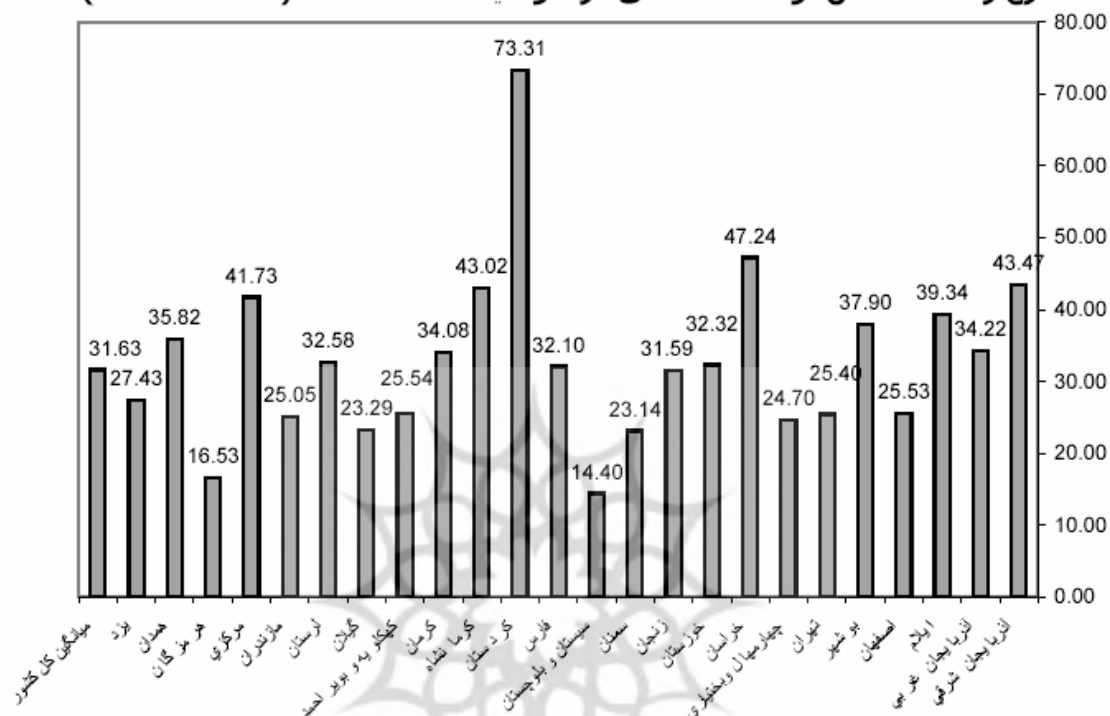
ردیف	نوع	مقدار	ردیف	نوع	مقدار
1	مردان	0.579	1	مردان	0.462
2	زنان	0.533	2	زنان	0.432
3	مردان و زنان	0.520	3	مردان و زنان	0.413
4	مردان و زنان	0.519	4	مردان و زنان	0.405
5	مردان و زنان	0.517	5	مردان و زنان	0.399
6	مردان و زنان	0.509	6	مردان و زنان	0.394
7	مردان و زنان	0.507	7	مردان و زنان	0.393
8	مردان و زنان	0.489	8	مردان و زنان	0.391
9	مردان و زنان	0.484	9	مردان و زنان	0.384
10	مردان و زنان	0.479	10	مردان و زنان	0.375
11	مردان و زنان	0.472	11	مردان و زنان	0.365
12	مردان و زنان	0.466	12	مردان و زنان	0.355
13	مردان و زنان	0.465	13	مردان و زنان	0.352
14	مردان و زنان	0.463	14	مردان و زنان	0.351
15	مردان و زنان	0.456	15	مردان و زنان	0.341
16	مردان و زنان	0.454	16	مردان و زنان	0.338
17	مردان و زنان	0.450	17	مردان و زنان	0.325
18	مردان و زنان	0.450	18	مردان و زنان	0.322
19	مردان و زنان	0.446	19	مردان و زنان	0.320
20	مردان و زنان	0.430	20	مردان و زنان	0.314
21	مردان و زنان	0.428	21	مردان و زنان	0.314
22	مردان و زنان	0.409	22	مردان و زنان	0.305
23	مردان و زنان	0.376	23	مردان و زنان	0.292
24	مردان و زنان	0.368	24	مردان و زنان	0.217
	مردان و زنان	0.469		مردان و زنان	0.357

بر اساس سرشماری عمومی در سال ۱۳۳۵ حدود ۶۸ درصد از جمعیت ایران به نقاط روستائی و عشایری تعلق داشته است. در حالی که در آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۷۵ جمعیت روستائی به حدود ۳۸/۳ درصد از جمعیت کشور رسیده است. با توجه به آخرین برآوردها در سه ماهه اول سال ۱۳۸۱ این درصد به ۳۵،۴ کاهش یافته است. آثار منفی مهاجرت در شهرهای بزرگ کاملا مشهود است. وجود شغل‌های کاذب، مختل شدن بخش کشاورزی، افزایش هزینه زندگی در شهرهای بزرگ، دزدی، فقر، فحشا، توسعه بی رویه شهرهای بزرگ، ناهنجاریهای پر عارضه حاشیه نشینی که خود می تواند از عوامل مؤثر ایجاد بی ثباتی و ناامنی در جامعه باشد. شاید به جای مقابله با تمام موارد ذکر شده، می توان با سرمایه گذاری هدفمند و مطالعه شده در مناطق مختلف کشور، جلوی خیلی از نابسامانی های اجتماعی را گرفت. بخصوص اینکه در سیاستها و رهنمودهای کلی برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران نیز به "اهتمام به توسعه و عمران روستاها و توجه بیشتر به معیشت روستائینان" اشاره شده است.



در حالت کلی با توجه به ارزش متوسط شاخص توسعه انسانی در دو مقطع زمانی ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵. اینگونه نتیجه گیری می شود که هنوز مناطق روستائی کشور دارای توسعه انسانی پائین می باشند. نیاز به سرمایه گذاری همه جانبه و برنامه ریزی شده در تمام بخش ها در مناطق روستائی کشور احساس می شود.

نرخ رشد شاخص توسعه انسانی در طول یک دهه گذشته (۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵)

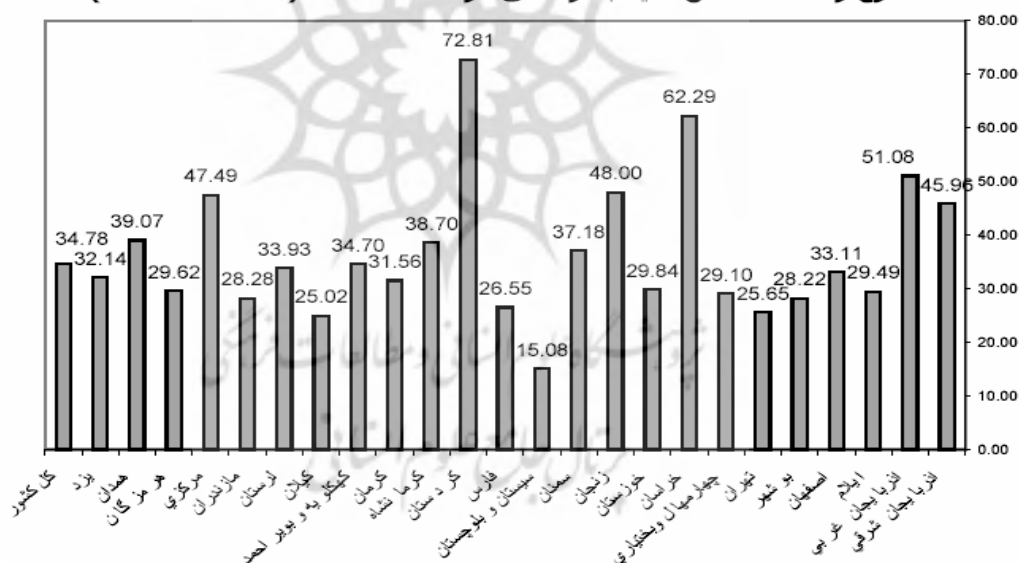


همانطور که از جدول (۱-۱) نمایان است، بر اساس ارزش شاخص توسعه انسانی در سال ۱۳۶۵، مناطق روستایی استانیهایی مانند کردستان، کرمانشاه، آذربایجان غربی و خوزستان در مرزهای غربی کشور، آذربایجان شرقی در مرز شمال غربی کشور، استانهای خراسان و سیستان و بلوچستان در مرزهای شرقی کشور و حتی برخی از مناطق روستایی استانیهای مرکزی کشور مانند استان مرکزی، زنجان، ایلام، همدان، لرستان و کهگیلویه و بویراحمد دارای پایین ترین ارزش شاخص توسعه انسانی در بین مناطق مختلف روستایی کشور می باشند. که در نتیجه توجه بیشتر در برنامه ریزی های کلان کشور برای این مناطق کاملاً مشهود است. و حال رشد شاخص توسعه انسانی در طول یک دهه گذشته (۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵) تا حدودی توجه به این مناطق را نمایان می سازد. همانطور که طبق نمودار مشخص است، استانیهایی که در رده پایینی جدول در سال ۱۳۶۵ قرار داشتند از رشد بیشتری در طول یک دهه برخوردار بوده اند، که تا حدودی توجه به این مناطق را در برنامه ریزی های کلان منطقه ای کشور نشان میدهد. اما با توجه به ارزش شاخص توسعه انسانی در سال ۱۳۷۵ (جدول ۱-۱)، هنوز همان مناطق روستایی مرزی و مرکزی کشور که در سال ۱۳۶۵ در سطوح پایینی جدول قرار داشتند، باز دارای توسعه انسانی پایین تری نسبت به دیگر مناطق روستایی کشور هستند. که دقیقاً اختلاف بین حاشیه و متن را در بین استانیهای کشور از جهت توسعه یافتگی نشان میدهد. که نیاز به توجه بیش از

پیش به مناطق روستایی حاشیه ای کشور ( مناطق مرزی ) به خصوص در برنامه ریزی های کلان منطقه ای ، لازم می باشد. جهت رشد توسعه انسانی که مقدار کمی آن توسط شاخص توسعه انسانی محاسبه میشود ، نیازمند توجه به زیر شاخص های تشکیل دهنده شاخص توسعه انسانی برای رشد همگون و برنامه ریزی شده شاخص HDI نیاز است.

با توجه به ارزش شاخص توسعه انسانی وزیر شاخص های آن (جدول ۲-۱) و (جدول ۳-۱) در مناطق مختلف کشور می توان به نقاط ضعف این مناطق از جنبه توسعه انسانی پی برد. برای ارتقاء شاخص توسعه انسانی و یکسان کردن آن در سطح جامعه می توان نشان داد که در چه استانهائی و در چه مواردی باید سرمایه گذاری بیشتری نسبت به مناطق دیگر که از توسعه انسانی بالاتری برخوردارند ، صورت گیرد. با توجه به ارزش شاخص توسعه انسانی در سال ۱۳۶۵ ، برای ارتقاء HDI تنها می بایست سرمایه گذاری در تمام مناطق صورت می گرفت بلکه استانهائی که در رده های پائین جدول قرار داشتند، مانند مناطق روستایی استانهای کردستان ، خراسان ، آذربایجان شرقی و غربی ، کرمانشاه ، مرکزی ، سیستان و بلوچستان ، زنجان ، ایلام ، همدان و... نیاز به سرمایه گذاری و توجه بیشتر در تمام زمینه های اجتماعی ، فرهنگی و اقتصادی را می طلبیدند. تا بتوان سطح آموزش ، بهداشت و درآمد را در این مناطق افزایش داد که در نهایت منجر به افزایش توسعه انسانی در منطقه گردد.

نرخ رشد شاخص امید به زندگی در دهه گذشته ( ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ )



ارزش شاخص امید به زندگی در طول یک دهه گذشته بیان کننده این است که توجه خوبی از نظر موارد بهداشتی و رفاهی در مناطق محروم کشور صورت گرفته است. به طوری که شش استان کردستان، خراسان، آذربایجان غربی، زنجان، مرکزی، آذربایجان شرقی که از پائین ترین نرخ امید به زندگی در سال ۱۳۶۵ برخوردار بودند، در طول یک دهه گذشته پیشرفت قابل ملاحظه ای داشته اند. هر چند هنوز نتوانسته اند به سطح متوسط امید به زندگی در سال ۱۳۷۵ دست یابند. باز نیاز به توجه جدی در این مورد احساس می شود. که باید سرمایه گذاری بیشتری در زمینه های بهداشتی و رفاهی در این مناطق صورت گیرد. که میزان سرمایه گذاری را نیز می توان با توجه به نسبت متوسط میزان سرمایه گذاری

در کل کشور در موارد بهداشتی و رفاهی و یا میزان متوسط سرانه سرمایه گذاری در موارد بهداشتی و رفاهی که در کل کشور در سالهای قبل انجام شده، محاسبه شود. تا بتوان سطح رفاه و بهداشت در این مناطق را حداقل به سطح میانگین این شاخص در کل کشور افزایش دهد. با توجه به اثراتی که بهداشت بر بهره وری دارد، اهمیت دادن به موارد بهداشتی ضرورت می یابد.

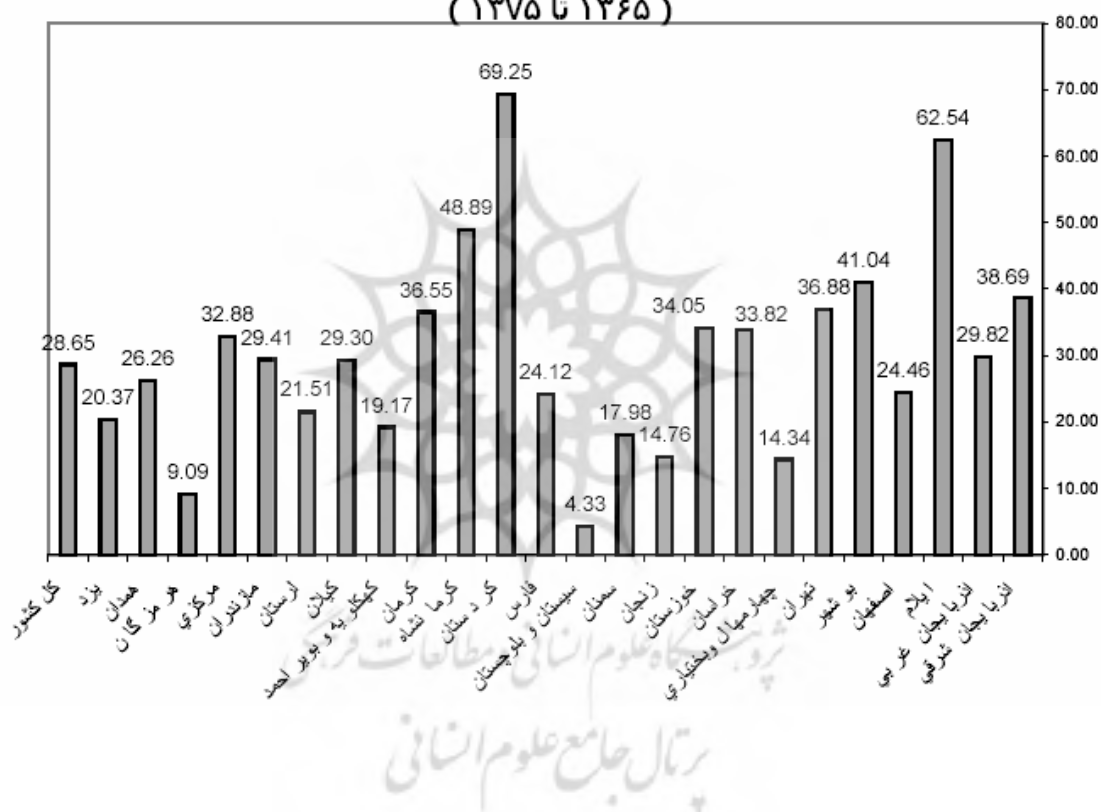
جدول (۱-۲) ارزش زیر شاخص های HDI برای مناطق روستایی ایران در سال ۱۳۶۵

رتبه	استان	شاخص امید به زندگی ۱۳۶۵	رتبه	استان	شاخص آموزش ۱۳۶۵	رتبه	استان	شاخص درآمد سرانه ۱۳۶۵
1	تهران	0.599	1	تهران	0.565	1	تهران	0.221
2	گیلان	0.591	2	یزد	0.544	2	اصفهان	0.179
3	فارس	0.576	3	اصفهان	0.538	3	گیلان	0.171
4	بو شهر	0.562	4	سمنان	0.535	4	مازندران	0.157
5	مازندران	0.562	5	گیلان	0.534	5	سمنان	0.150
6	سیستان و بلوچستان	0.561	6	چهارمها ل و بختیاری	0.519	6	آذربایجان غربی	0.141
7	چهارمها ل و بختیاری	0.555	7	فارس	0.510	7	هرمزگان	0.138
8	ایلام	0.552	8	مازندران	0.497	8	یزد	0.129
9	هرمزگان	0.551	9	هرمزگان	0.485	9	کرمان	0.129
10	خوزستان	0.548	10	کهکلو به و بویر احمد	0.476	10	خوزستان	0.109
11	کرمان	0.535	11	زنجان	0.472	11	آذربایجان شرقی	0.108
12	یزد	0.524	12	لرستان	0.464	12	بو شهر	0.107
13	اصفهان	0.523	13	همدان	0.458	13	مرکزی	0.097
14	لرستان	0.517	14	بو شهر	0.455	14	فارس	0.095
15	کهکلو به و بویر احمد	0.512	15	مرکزی	0.431	15	ایلام	0.091
16	سمنان	0.495	16	کرمان	0.430	16	کرمانشاه	0.085
17	کرمانشاه	0.484	17	خراسان	0.430	17	همدان	0.082
18	همدان	0.483	18	خوزستان	0.399	18	خراسان	0.080
19	آذربایجان شرقی	0.441	19	آذربایجان شرقی	0.392	19	کهکلو به و بویر احمد	0.079
20	مرکزی	0.432	20	کرمانشاه	0.374	20	چهارمها ل و بختیاری	0.078
21	زنجان	0.430	21	ایلام	0.373	21	زنجان	0.073
22	آذربایجان غربی	0.413	22	آذربایجان غربی	0.360	22	لرستان	0.072
23	خراسان	0.365	23	سیستان و بلوچستان	0.355	23	کردستان	0.061
24	کردستان	0.327	24	کردستان	0.262	24	سیستان و بلوچستان	0.048
	میانگین کل کشور	0.506		میانگین کل کشور	0.452		میانگین کل کشور	0.112

با توجه به ارزش زیر شاخص آموزش در سال ۱۳۶۵ می بایست توجه بیشتری به موارد آموزشی در استانهای مانند کردستان، سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی، ایلام، کرمانشاه، آذربایجان شرقی و غیره صورت می گرفت. ارزش زیر شاخص آموزش در دو مقطع زمانی ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ بیان کننده این

است که هر چند در بعضی از استانهای ذکر شده به موارد آموزشی توجه شده است. ولی استانهای مانند سیستان و بلوچستان و آذربایجان غربی در طول یک دهه گذشته توجه خیلی کمی صورت گرفته است. نیاز به سرمایه گذاری و توجه بیشتر به موارد آموزشی به خصوص در استان سیستان و بلوچستان کاملاً مشهود است. با توجه به اهمیت بالای آموزش و اثرات آن بر رشد و امید به زندگی، کاملاً مشهود است استانهای که ارزش شاخص آموزش در آنها پائین است از امید به زندگی و همچنین درآمد پائین تری نسبت به استانهای دیگر برخوردارند. و در واقع می توان ادعا کرد که توسعه را باید با آموزش شروع کرد.

نرخ رشد شاخص آموزش در مناطق روستایی کشور در یک دهه گذشته  
(۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵)



جدول (۱-۳) ارزش زیر شاخص های HDI برای مناطق روستایی ایران در سال ۱۳۷۵

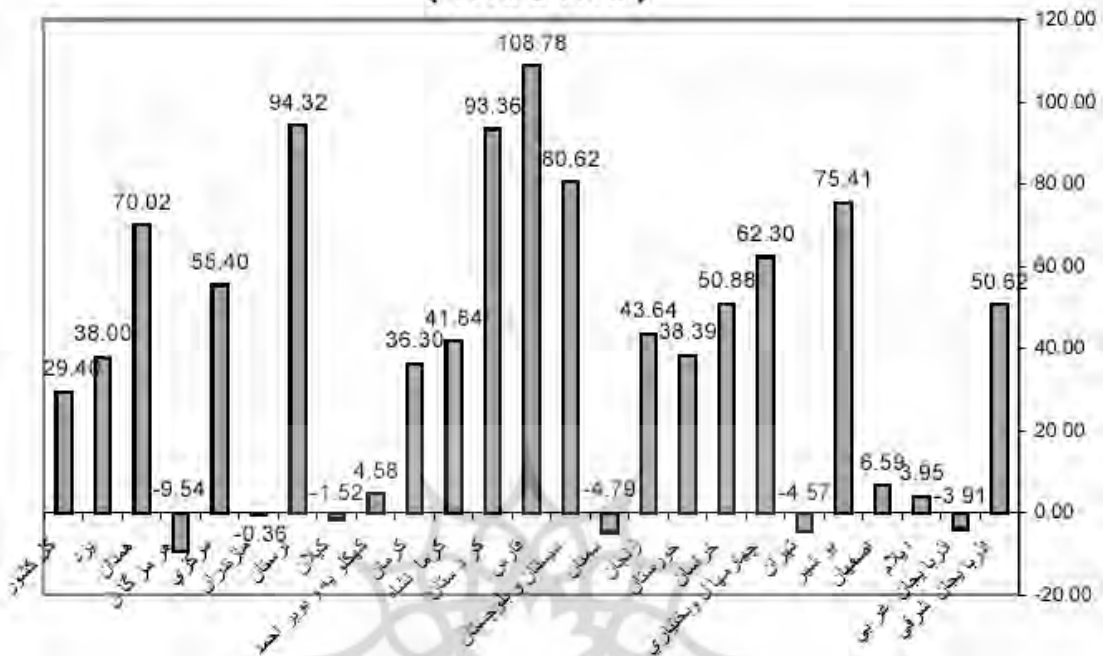
رتبه	استان	شاخص امید به زندگی ۱۳۷۵	رتبه	استان	شاخص آموزش ۱۳۷۵	رتبه	استان	شاخص درآمد سرانه ۱۳۷۵
1	تهران	0.753	1	تهران	0.773	1	تهران	0.211
2	گیلان	0.739	2	گیلان	0.691	2	فارس	0.198
3	فارس	0.729	3	اصفهان	0.670	3	اصفهان	0.191
4	مازندران	0.721	4	یزد	0.655	4	بو شهر	0.188
5	بو شهر	0.721	5	مازندران	0.643	5	یزد	0.179
6	چهارمها ل و بختیاری	0.717	6	بو شهر	0.641	6	کرمان	0.175
7	ایلام	0.714	7	فارس	0.633	7	گیلان	0.168
8	هرمزگان	0.714	8	سمنان	0.631	8	آذربایجان شرقی	0.163
9	خوزستان	0.712	9	ایلام	0.606	9	مازندران	0.156
10	کرمان	0.704	10	چهارمها ل و بختیاری	0.594	10	خوزستان	0.151
11	اصفهان	0.696	11	کرمان	0.588	11	مرکزی	0.151
12	یزد	0.693	12	همدان	0.578	12	سمنان	0.143
13	لرستان	0.692	13	خراسان	0.576	13	لرستان	0.140
14	کهکلو یه و بویراحه	0.689	14	مرکزی	0.573	14	همدان	0.139
15	سمنان	0.679	15	کهکلو یه و بویراحه	0.567	15	آذربایجان غربی	0.136
16	همدان	0.672	16	لرستان	0.564	16	چهارمها ل و بختیاری	0.127
17	کرمانشاه	0.672	17	کرمانشاه	0.557	17	هرمزگان	0.125
18	سیستان و بلوچستان	0.646	18	آذربایجان شرقی	0.543	18	خراسان	0.120
19	آذربایجان شرقی	0.644	19	زنجان	0.541	19	کرمانشاه	0.120
20	مرکزی	0.637	20	خوزستان	0.536	20	کردستان	0.118
21	زنجان	0.636	21	هرمزگان	0.529	21	زنجان	0.105
22	آذربایجان غربی	0.625	22	آذربایجان غربی	0.468	22	ایلام	0.094
23	خراسان	0.592	23	کردستان	0.444	23	سیستان و بلوچستان	0.087
24	کردستان	0.566	24	سیستان و بلوچستان	0.371	24	کهکلو یه و بویراحه	0.082

پرتال جامع علوم انسانی

ارزش زیر شاخص درآمد سرانه در طول یک دهه گذشته موارد جالبی را نمایان می سازد. وضعیت اقتصادی مردم در مناطق روستائی استانهای مانند تهران، گیلان، مازندران، سمنان، آذربایجان غربی و هرمزگان در طول یک دهه نتنها بهتر نشده بلکه بدتر شده است و قدرت خرید مردم کاهش یافته است. رشد شاخص درآمد در طول یک دهه گذشته این مطلب را تایید می کند، هر چند توجه خوبی به موارد اقتصادی برای استانهای که در رده های پائین جدول در سال ۱۳۶۵ قرار داشته اند، شده و باعث افزایش درآمد سرانه آنها گردیده است ولی هنوز شاخص درآمد سرانه در این مناطق از متوسط این شاخص در سال ۱۳۷۵ پائین تر است. ارزش زیر شاخص درآمد در سال ۱۳۷۵ نشان می دهد که باید به جنبه های اقتصادی و درآمدزایی و به طور کلی افزایش اشتغال در مناطق روستایی استانهای مانند کهکلو یه و

بویراحمد ، سیستان و بلوچستان ، ایلام ، زنجان ، کردستان ، کرمانشاه ، خراسان و هرمزگان توجه بیشتری شود.

نرخ رشد شاخص درآمد در مناطق روستایی کشور در یک دهه گذشته  
( ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ )



#### پراکندگی رتبه شاخص های توسعه روستایی :

یکی از موضوعات مهم در بررسی شاخص های توسعه ، بررسی چگونگی تاثیر گذاری مؤلفه های مربوطه روی آن است. به عبارت دیگر چه عواملی در پراکندگی شاخص های توسعه موثر بوده اند. بر طبق جداول (۱-۱) ، (۱-۲) و (۱-۳) که رتبه هر استان را در شاخص امید به زندگی روستایی، شاخص آموزش روستایی و شاخص درآمد روستایی نشان می دهد، می توان میزان وابستگی شاخص توسعه انسانی را به هر یک از سه شاخص فرعی از طریق اختلاف آنها با شاخص توسعه انسانی بدست آورد. اختلاف مثبت بدین معنی است که رتبه شاخص توسعه انسانی بالاتر از شاخص های فرعی مربوطه است. برعکس تفاوت منفی به آن معنی است که رتبه شاخص توسعه انسانی کمتر از شاخص فرعی مربوطه است. لذا در حالت اول شاخص فرعی نقش بازدارنده در افزایش شاخص توسعه انسانی دارد و بلعکس. این مسئله به ما در تخصیص منابع سرمایه گذاری روی هر یک از شاخص های فرعی کمک می کند. یکی از کاربردهای اساسی شاخص توسعه انسانی روشن نمودن جهت های تخصیص منابع سرمایه گذاری است تا منجر به بهبود ابعاد توسعه در ابعاد انسانی گردد. زیرا بهبود شاخص توسعه انسانی از طریق افزایش سرمایه گذاری برای بهبود طول عمر ( امید به زندگی ) ، درآمد و آموزش امکان پذیر است. همچنین باید افزایش بیشتر سرمایه گذاری در آن بخش از مؤلفه های شاخص توسعه انسانی که رتبه پایین تری از شاخص توسعه انسانی دارند صورت گیرد.

با توجه به شاخص های محاسبه شده در سال ۱۳۶۵، اختلاف شاخص امید به زندگی با شاخص توسعه انسانی بین (۸+ و ۱۲-) قرار دارد. اختلاف رتبه شاخص آموزش روستایی با شاخص توسعه انسانی بین (۶+ و ۵-) قرار دارد. به همین ترتیب اختلاف رتبه شاخص درآمد سرانه با شاخص توسعه انسانی بین (۱۶+ و ۱۱-) قرار دارد. این بدان معنی است که در سال ۱۳۶۵، شاخص آموزش در روستاها نقش اصلی را در تعیین رتبه شاخص توسعه انسانی دارا می باشد.

حال آنکه در سال ۱۳۷۵، اختلاف رتبه شاخص امید به زندگی در روستا با شاخص توسعه انسانی روستایی بین (۷+ و ۷-) قرار دارد، اختلاف بین شاخص آموزش روستایی با شاخص توسعه انسانی بین (۷+ و ۸-) قرار دارد و اختلاف رتبه شاخص درآمد سرانه با شاخص توسعه انسانی بین (۱۱+ و ۹-) قرار دارد. در واقع اختلاف رتبه بین شاخص امید به زندگی با شاخص توسعه انسانی کمتر از دو شاخص فرعی دیگر است. میتوان اینگونه بیان کرد که امید به زندگی در سال ۱۳۷۵ نقش اصلی را در تعیین شاخص توسعه انسانی دارا می باشد.

ترتیب توجه در هراستان به هریک از مولفه های تشکیل دهنده شاخص توسعه انسانی مستلزم در نظر گرفتن رتبه استان در هر شاخص فرعی و مقدار عددی آن می باشد. بنابراین طبق این توصیه سیاستی و با در نظر گرفتن شاخص HDI در سال ۱۳۶۵، توجه به استان سیستان و بلوچستان، کردستان، آذربایجان غربی، زنجان، خراسان و غیره بیشتر از هراستان دیگر احساس می شود. در داخل این استانها توجه به برخی عوامل جهت ارتقاء شاخص توسعه انسانی ضروری به نظر می رسد. به عنوان مثال در استان سیستان و بلوچستان توجه به درآمد و آموزش بیشتر از توجه به امید به زندگی اهمیت دارد. در حالیکه در استان آذربایجان غربی آموزش و امید به زندگی و یا در استان زنجان توجه به درآمد و امید به زندگی نقش اساسی را دارد. به همین ترتیب می توان برای استانهای دیگر و شاخص های دیگر توسعه، توصیه های سیاستی را مشخص کرد.

حال اگر با این نگرش به رتبه شاخص توسعه انسانی و زیر شاخص های آن در مناطق روستایی ایران در سال ۱۳۷۵ نگاه کنیم متوجه می شویم که چگونه بایستی راهبردهای سرمایه گذاری را توسعه دهیم. اختلاف رتبه شاخص درآمد و شاخص توسعه انسانی روستایی در سال ۱۳۷۵ نشان می دهد در بخش هایی که علامت اختلاف مثبت است بایستی سرمایه گذاری نسبت به جاهایی که اختلاف صفر یا منفی است، افزایش یابد. زیرا در حالت اول رتبه استان در شاخص مربوطه بیشتر از شاخص توسعه انسانی روستایی است و در حالت منفی برعکس. با این بیان متوجه می شویم که در اکثر استانها بایستی برای افزایش درآمد روستائیان تلاش شود و این مسئله از طریق توسعه فعالیت های تولید کشاورزی روستایی مانند دامپروری، زراعت، باغبانی و ... و صنایع تبدیلی کشاورزی عملی می گردد. همچنین سیستم بازار در جهت تخصیص و توزیع بهتر محصولات کشاورزی به نفع افزایش درآمد روستائیان اصلاح گردد. پس از آن بایستی در جهت افزایش سطح آموزش روستائیان اقدامات جدی صورت گیرد. زیرا اکثر استانها همانند درآمد، از پایین بودن سواد رنج می برند. سطح آموزش به طور مستقیم و غیر مستقیم روی درآمد روستائیان تاثیر می گذارد و همچنین افزایش درآمد و آموزش تاثیر بسزایی روی بهداشت روستائیان دارد. سطح درآمد روستائیان نیز تا حدودی عامل بازدارنده از مهاجرتشان به حاشیه شهرها است.

همچنین ضروری است در جهت افزایش سطوح عمر روستائیان در اولویت سوم بعد از درآمد و آموزش توجه شود. برای بهبود و افزایش امید به زندگی در روستا اقدامات زیادی لازم است، مهمترین آن بهداشت و تغذیه می باشد. بهداشت شامل تامین حمام، توالیت بهداشتی، مسکن و بهسازی مسکن روستایی، تغذیه و برخورداری از حداقل نیازهای غذایی و غیره لازم است. از مجموعه مباحث فوق می توان نتیجه گرفت که افزایش سطح توسعه انسانی در روستاها مستلزم یک سری اقدامات برنامه ریزی شده سیستمی و منظم در جهت افزایش درآمد، آموزش و بهداشت است و هر یک از سه مولفه فوق تابع سرمایه گذاری های عمرانی بلند مدت و کوتاه مدت در توسعه و عمران روستاهاست که بخشی از آن به فعالیتهای کشاورزی روستائیان مربوط می گردد ( توسعه کشاورزی ).

### نتیجه گیری :

با توجه به ارزش شاخص توسعه انسانی در هر دو مقطع زمانی ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ میتوان چنین نتیجه گرفت که هنوز مناطق روستایی ایران از توسعه انسانی پائین برخوردارند. که خود میتواند منشاء بسیاری از نابسامانی های اجتماعی باشد. یکی از این موارد مقوله مهاجرت از روستا به شهر است. ابعاد منفی مهاجرت کاملاً مشهود است. و عواملی که می تواند به دنبال خود به همراه داشته باشد. در نتیجه نیاز به توجه بیشتر به مناطق روستایی بیش از پیش حائز اهمیت است. از آنجا که با توجه به تعریف کلاسیک توسعه در نهایت به توسعه انسانی و اخیراً توسعه پایدار میرسیم در نتیجه بررسی شاخص توسعه انسانی و ارزیابی زیر شاخص های آن می تواند یکی از معیارهای کاربردی و استاندارد برای بررسی نقاط قوت و ضعف مناطق و تخصیص بهتر و هدفمندانه تر سرمایه گذاری ها جهت ارتقاء مناطق محروم بخصوص در روستاها باشد.

بررسی شاخص توسعه انسانی در مناطق روستایی ایران حکایت از این دارد که تمام مناطق مرزی کشور از توسعه پائین تری نسبت به مناطق مرکزی برخوردارند. در واقع اختلاف بین حاشیه و مرکز در مناطق روستایی ایران از جنبه توسعه یافتگی بسیار زیاد است. در بین مناطق مرزی کشور نیز دو استان سیستان و بلوچستان و کردستان از توسعه پائین تری نسبت به دیگر مناطق حاشیه برخوردارند. بیشترین تغییرات از نظر رتبه شاخص توسعه انسانی شامل استانهای مرکزی، ایلام و بوشهر، هر کدام به ترتیب ۴،۵ و ۵ درجه ارتقاء و استانهای هرمزگان، کهکویه و بویراحمد و سیستان و بلوچستان با ۷،۷ و ۶ درجه تنزل در طول یک دهه می باشند. استان سیستان و بلوچستان از کمترین مقدار رشد شاخص توسعه انسانی در طول یک دهه گذشته برخوردار بوده است. نیاز به توجه جدی و بیشتر در این استان احساس می شود. آمارهای مربوط به زیر شاخص درآمد در دو مقطع زمانی ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ بیانگر این است که وضعیت اقتصادی مردم در سال ۱۳۷۵ در مناطق روستایی استانهای تهران، گیلان، مازندران، سمنان، آذربایجان غربی و هرمزگان نسبت به سال ۱۳۶۵ بدتر شده است، و قدرت خرید مردم در این مناطق در طول یک دهه گذشته کاهش یافته است.



استانهای مرکزی، زنجان، آذربایجان غربی، خراسان و کردستان با توجه به رشد شاخص امید به زندگی، بعد از یک دهه هنوز در انتهای جدول قرار دارند، و پائین ترین امید به زندگی را در بین مناطق دیگر کشور دارا می باشند. نیاز به سرمایه گذاری در بیشتر مواردی که باعث افزایش امید به زندگی در این مناطق می شود ضروری است. در حالت کلی می توان چنین بیان کرد: هر چند در طول یک دهه گذشته شاخص توسعه انسانی در جهت همگن تر شدن رشد یافته است ولی هنوز نیاز به برنامه ریزی و سرمایه گذاری برای مناطق روستایی ایران ضروری به نظر میرسد.



#### فهرست منابع فصل پنجم:

- ۱- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، نماگرهای اقتصادی - شماره های ۱ تا ۱۲- تهران ۷۷-۱۳۷۴ (۱۳ جلد مربوط به فصول ۷۴ تا ۷۷).
- ۲- دانشگاه آزاد اسلامی، مرکز اطلاعات آمار و کامپیوتر، آمار دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی، تهران ۱۳۷۷
- ۳- آمارهای اخذ شده از نهضت سواد آموزی در مورد آموزش دیدگان
- ۴- سالنامه آماری کشور، تهران ۷۷-۱۳۶۸ (۱۰ جلد)
- ۵- سرشماری عمومی نفوس و مسکن، مهر ۱۳۶۵، نتایج نهائی کل کشور، تهران ۱۳۶۸
- ۶- سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، تهران ۱۳۷۶ (۲۶ جلد نشریه مربوط به استانهای کشور).
- ۷- آمارگیری جاری جمعیت سال ۱۳۷۰، نتایج عمومی کل کشور، تهران ۱۳۷۲
- ۸- نورالهی طه جدول عمر جمعیت کشور، ۱۳۶۵، اصفهان ۱۳۷۱
- ۹- سطح و روند مرگ و میر و جدول عمر جمعیت کشور، سال ۱۳۶۹، تهران ۱۳۷۴
- ۱۰- سطح و روند مرگ و میر و جدول عمر جمعیت کشور، سال ۱۳۷۳ تهران ۱۳۷۵

- ۱۱- برآورد امید به زندگی در استانها و ساخت جدول عممر کشور، سال ۱۳۷۵ تهران
- ۱۲- آمار آموزش و پرورش تهران ۷۷-۱۳۶۸ (۱۰ جلد نشریه مربوط به سالهای ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۶)
- ۱۳- وزارت فرهنگ و آموزش عالی، آمار آموزش عالی ایران، تهران ۷۷-۱۳۶۸ (۱۰ جلد نشریه مربوط به سالهای ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۶)
- ۱۴- آمارهای اخذ شده از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در مورد شاخصهای بهداشتی، تهران ۱۳۷۷،
- ۱۵- مرکز آمار ایران، نتایج آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری، تهران ۷۷-۱۳۶۸ (۱۰ جلد نشریه مربوط به سالهای ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۶)
- ۱۶- مرکز آمار ایران، نتایج آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای روستایی، تهران ۷۷-۱۳۶۷ (۱۰ جلد نشریه مربوط به سالهای ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۶)
- ۱۷- موسی لطفی «نقش آموزش نیروی انسانی در رشد اقتصادی» ص ۱۵
- ۱۸- احمد اخوی- «توزیع درآمد و توسعه اقتصادی» ص ۱۰۵
- ۱۹- عمادزاده مصطفی - «مباحثی از اقتصاد آموزش و پرورش» - انتشارات جهاد دانشگاهی اصفهان (۱۳۷۴) ص ۱۹۱
- ۲۰- اولین گزارش توسعه انسانی ۱۳۷۵، برنامه و بودجه - سال ۱۳۷۸
- ۲۱- ولفانگ زاکس "نگاهی نو به معنای توسعه"
- ۲۲- کیت گریفن "توسعه انسانی دیدگاه و راهبرد" ترجمه غلامرضا خواجه پور- مرداد سال ۱۳۷۷
- ۲۳- علی نقی رفیعی امام ، "پایان نامه کارشناسی ارشد" ، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران ، ۱۳۸۱
- 23 \_ SCHULTZ, Theodorw. "investment in Human capital" the American Economic Review, march 1961, pp:17-1
- 24 \_ DENTSON, Edward, F: "The sources of Economic Growth in the united states and the Alternatives Before us" Committee for Economic Development, supplementary, No 13 new york 1962
- 25 - Mach: "selected issue on health and employment ment." (1979)P:142.
- 26 \_ UNDP, Human Development Report (1990 - 2001) , New York, Oxford University Press (11 Issues)
- 27 \_ World Bank, World Development Indicators, 1998, New York, Oxford University Press, 1998

# ASSESSMENT OF HUMAN DEVELOPMENT INDEX IN RURAL REGION OF IRAN

Hossain Abbasinejad  
Alinaghi Rafiei Emam ( MA of economic development and planning )

**Key word: development index, rural development, human development, Iran**

In this paper assess development indexes such as: Human development index (HDI) in rural region on two time, 1986 and 1996. To calculate this indexes show rate of development in rural region. compare between two-time show trends of development in decide.

Most of calculated indexes show that margin rejoins worse of central region in development. The different is very mach between of margin and central in Iran. The margin region of Iran likes sestan & bluchestan and kordestan have below development. Growth of development indexes shows a duality between theirs. According to this study the average of HDI for rural regions increased through the last decade, however with regaed to the HDI between 1986 and 1996 we can conclude that rural regions of Iranian provinces suffer due to the lower human development in spite of growth in the rate of HDI ough the decade.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی